

نکات طلایی درس دهم فارسی ۳**((فصل شکوفایی))**

* شاعر: سلمان هراتی

* از کتاب: دری به خانه خورشید

* قالب: غزل

* نوع ادبی: ادبیات انقلاب اسلامی

درونمایه (محتوا): انقلاب اسلامی فصل تازه ای برای مردم بود که موجب شکوفایی ایران شد.

درجه اهمیت این درس برای امتحانات نهایی:***

درجه اهمیت این درس برای کنکور:**

مهمترین و پرکاربردترین ابیات و همراه اهم مطالب:

۱- دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو

امروز می آید از باغ، بوی بهار من و تو

مفهوم: آمدن امید با ظهور انقلاب

قلمرو ادبی: دیروز، امروز: تضاد / برگ، بار، باغ، بهار: مراعات نظیر / سوزاندن برگ و بار به

وسیله ی غم: استعاره

برگ و بار: استعاره از دلخوشی ها / باغ: استعاره از وطن / سوزاندن برگ و بار: کنایه از نابود

کردن / دیروز: مجاز از دوران قبل از انقلاب / امروز: مجاز از دوران انقلاب / بهار: نماد و استعاره

از آزادی / بار و بهار = جناس افزایشی /

قلمرو زبانی: بیت سه جمله دارد / ای دوست: شبه جمله / دیروز و امروز: قید

۲- چون رود امیدوارم بی تابم و بی قرارم

من می روم سوی دریا، جای قرار من و تو

مفهوم: امیدواری / بیقراری / حرکت به سوی آزادی و رهایی (بازگشت به اصل)

قلمرو ادبی: مانند کردن خود شاعر به رود تشبیه دارد: من : مشبه، رود: مشبه به / دریا : استعاره
از اتحاد و پیروزی / رود ، بی قرار، دریا : مراعات نظیر / امیدواری ، بی تابی و بی قراری رود:
استعاره و تشخیص / بی قرار، قرار: تضاد / قرار ایهام دارد: ۱- جای قرار و دیدار ۲- محل آرامش
قلمرو زبانی: بیت چهار جمله دارد / جای قرار من و تو : بدل از دریا

نکات طلایی درس یازدهم فارسی ۳

(آن شب عزیز)

*نویسنده: سید مهدی شجاعی

* از کتاب : سانتاماریا

* قالب : داستان

* نوع ادبی: ادبیات انقلاب اسلامی

* درونمایه: جنگ تحمیلی، شهادت طلبی فداکاری، مبارزه با دشمن ،میهن دوستی

* درجه اهمیت این دسته بندی امتحانات نهایی:***

* درجه اهمیت این دست برای کنکور:***

* مهمترین و پرکاربردترین عبارات درس به همراه اهم مطالب:

قلمرو ادبی و زبانی :

- قدم از قدم برداشتن: کنایه از حرکت کردن

- آفتاب چشم های تان را می زد: کنایه از اذیت شدن چشم ها توسط نور خورشید

- شاگرد شما : بدل

- بوی حمله : استعاره و حس آمیزی

- بوی التماس: استعاره و حس آمیزی

- زمزمه لطیف و سبک: حس آمیزی

- کنجکاوی گلوله: تشخیص و استعاره

- جایی را آب برداشتن: کنایه از پر شدن آنجا از آب

- ریختن رمق در فشنگ: استعاره

- جگر خراش: کنایه از درد آور و اندوهبار

- خاموش شدن کنایه از مردن

(گذر سیاوش از آتش)

نکات طلایی درس دوازدهم فارسی ۳

* شاعر: فردوسی

* از کتاب: شاهنامه

* قالب: مثنوی

نوع ادبی: ادبیات حماسی

درونمایه: تهمت زدن سودابه به سیاوش و تلاش سیاوش برای رفع اتهام، پاکدامنی و نجابت
سیاوش

* شخصیت‌های اصلی داستان: کی کاووس ((شاه ایران)) / سیاوش ((فرزند شاه)) سودابه
((همسر شاه))

* درجه اهمیت این درس برای امتحانات نهایی: *****

* درجه اهمیت این درس برای کنکور: *****

□ مفاهیم ابیات برای استفاده در فهم قرابت معنایی:

بیت ۱- پنهان ناپذیری غم و اندوه ۲- لزوم آزمایش و تحقیق برای درک حقیقت ۳- عزیز بودن

فرزند / زیان نگرانی / اهمیت سلامت و پادشاه ۴- نگرانی از همسر ۵- معلوم نبودن حق و باطل /

لزوم آور از آتش (زمینه ملی حماسه) ۶- اعتقاد به بی گزندی بی گناه از آتش (زمینه ملی حماسه) ۷- خط رو درو کردن برای کشف حقیقت ۸- بی اعتمادی پادشاه به حقیقت گویی متهم ۹- امید به کشف حقیقت و رسوایی گناهکار (زمینه ملی حماسه) ۱۰- ادعای راستگویی ۱۱- نظر خواهی از فرزند ۱۲- سنگینی اتهام ۱۳- آمادگی برای عبور از آتش / اطمینان از بی گناهی (زمینه قهرمانی حماسه) ۱۴- نگرانی خاطر ۱۵- ضرر قطعی ۱۶- چاره سازی اساسی ۱۷- دستور آوردن شتر / آماده کردن مقدمات کار / سلسله مراتب دستور دادن (زمینه ملی) ۱۸- انبوه هیزم / تماشای مردم / رسم و راه چیدن هیزم (زمینه ملی حماسه) ۱۹- رسم راه شناسایی گناهکار (در زمینه ملی حماسه) ۲۰- فرمان افروختن آتش / سلسله مراتب دستور دادن (زمینه ملی حماسه) ۲۱- غلظت شدید دود هیزم ها ۲۲- دود و آتش شدید ۲۳- شادابی سیاوش (زمینه قهرمانی) / اندوه شدید مردم ۲۴- آمادگی برای آزمون (زمینه قهرمانی حماسه) ۲۵- آمادگی، شادابی و امیدواری (زمینه قهرمانی حماسه) ۲۶- سرعت اسب تاختن پهلوان (زمینه قهرمانی حماسه) ۲۷- آمادگی برای مرگ (زمینه قهرمانی حماسه) ۲۸- رعایت آیین احترام و ادب (زمینه ملی حماسه) ۲۹- شرمندگی و ملایمت ۳۰- دلداری دادن / اعتقاد به تقدیر و سرنوشت (زمینه ملی حماسه) ۳۱- پاکی و ارزشمندی (زمینه قهرمانی) / رهایی بی گناه از آتش (زمینه ملی) ۳۲- آسیب پذیر بودن گناهکار از آتش (زمینه ملی) ۳۳- ایمان به یاری خدا / شجاعت (زمینه قهرمانی) ۳۴- سرعت و شجاعت (زمینه قهرمانی) ۳۵- بلندی و انبوهی آتش ۳۶- نگرانی مردم / اعتقاد به بی گناهی سیاوش ۳۷- نجات بی گناه / اثبات بی گناهی / خوشحالی مردم ۳۸- بی گزند ماندن بی گناه از آتش (زمینه ی خرق عادت حماسه) ۳۹- اعتقاد به تغییر خاصیت پدیده ها بر اثر عنایت و خواست خدا (زمینه ملی حماسه) ۴۰- شادمانی مردم از نجات بی گناه ۴۱- مژده ی نجات بی گناه / خوشحالی مردم ۴۲- خشم و ناراحتی از رسوایی

۴۳- جلسه پاکی از هرگونه آرایش ۴۴- رعایت رسم و احترام (زمینه ملی حماسه) ۴۵- ابراز

محبت / عذرخواهی از رفتار بد

□ ابیات مهم و پر کاربرد به همراه هم مطالب:

۱- چه خواهی که پیدا کنی گفت و گوی / بیايد زدن سنگ را بر سبوی

قلمرو ادبی: سنگ در سبوی زدن: کنایه از آزمایش و امتحان / گفت و گو: مجاز از حقیقت /

قلمرو زبانی: بیت سه جمله دارد. / گفت و گوی، سنگ: مفعول / پیدا: مسند / سبوی متمم /

۲- چنین است سوگند چرخ بلند / که بر بی گناهان نیاید گزند

قلمرو ادبی: چرخ: استعاره از آسمان (تقدیر و سرنوشت) / سوگند چرخ: اضافه استعاری (تشخیص) / اشاره به اعتقاد گذشتگان مبنی بر اینکه آتش بی گناهان را نمی سوزاند (تلمیح دارد به اعتقاد گذشتگان)

قلمرو زبانی: بیت دو جمله دارد / سوگند، گزند: نهاد / چنین: مسند / بی گناهان: متمم

۳- مگر کآتش تیز پیدا کند / گنه کرده را زود رسوا کند

قلمرو ادبی: آتش پیدا کند: استعاره (تشخیص)

قلمرو زبانی: بیت دو جمله دارد / آتش: نهاد / پیدا، رسوا: مسند / حقیقت (حذف به قرینه ی معنوی)

گنه کرده: مفعول / زود: قید / آتش تیز: ترکیب وصفی

۴- آگه کوه آتش بود بسپرم / از این تنگه خوار است اگر بگذرم

قلمرو ادبی: کوه آتش: اضافه تشبیهی / گذشتن از کوه آتش: اغراق / منظور از تنگ: گذرگاه آتش

قلمرو زبانی: بیت ۴ جمله دارد / کوه، خوار: مسند / تنگ: متمم / چنین: قید / این تنگ: ترکیب وصفی / کوه آتش: ترکیب اضافی

۵- نهاوند بر دشت هیزم دو کوه / جهانی نظاره شده هم گروه

قلمرو ادبی: مانند کردن هیزم به کوه تشبیه دارد: هیزم: مشبه، کوه: مشبه به / دو کوه، جهان: اغراق / جهان: مجاز از مردم

قلمرو زبانی: بیت دو جمله دارد / جهانی: نهاد / دشت: متمم / هیزم: مفعول / نظاره: مسند / هم گروه: قید

۶- یکی تازی برنشسته سیاه / همین خاک نعلش برآمد به ماه

قلمرو ادبی: تازی، برنشسته، نعل: مراعات نظیر / ماه: مجاز از آسمان / به ماه برآمدن خاک نعل اسب: اغراق و کنایه از سرعت و قدرت تاخت و تاز است /

۷- چو از کوه آتش به هامون گذشت / خروشیدن آمد ز شهر و دشت

قلمرو ادبی: کوه آتش: اضافه تشبیهی / شهر و دشت: مجاز از مردم / کوه، دشت، شهر: مراعات نظیر

قلمرو زبانی: بیت دو تا جمله دارد / خروشیدن: نهاد / کوه، هامون، شهر، دشت، متمم / کوه آتش: ترکیب اضافی

نکات طلایی درس سیزدهم فارسی ۳

(خوان هشتم)

*شاعر: مهدی اخوان ثالث

*از کتاب: در حیات کوچک پاییز در زندان

*قالب: شعر نو (نیمایی)

*نوع ادبی: حماسی

* درونمایه: استبداد، خفقان و ناجوانمردی در جامعه / پهلوانان جوانمرد، مرگ با عزت را بر زندگی با ذلت انتخاب کرده‌اند

* درجه اهمیت این دست برای امتحانات نهایی: *****

* درجه اهمیت این دست برای کنکور: *****

* مفاهیم بند های درس:

بند ۱ - توصیف زن و بیداد حاکم در جامعه ۲ - حاکمیت ترس و خفقان در جامعه / وجود دلگرمی و امنیت و روشنایی در قهوه خانه (فضای داستان شاهنامه) ۳ - امنیت و آسایش در فضای شاهنامه ۴ - تاثیر سخن در مخاطب ۵ - بیان پر شور و با حرارت ۶ - توجه مردم به سخن نقال ۷ - روایتگری ۸ - بیان درد جامعه ۹ - ارزشمندی شعر متعهد / بی ارزشی شعر بی تعهد ۱۰ - ارزشمندی شعر متعهد ۱۱ - بیان شورانگیز / آمیختگی لحن حماسی و غم آلود در بیان ۱۲ - شجاعت و بی مانندی / لبخند و امید بخشی در رنج و راحت ۱۳ - توصیف چاه شغاد / توصیف فریبکاری ناجوانمردان بی شرم ۱۴ - گرفتاری پهلوان در چاه خیانت ۱۵ - گرفتاری در خوان خیانت / نفرت از فضای فریب آلود ۱۶ - توصیف مرگ رخس ۱۷ - بی توجهی به درد خود به خاطر احساس درد دیگری ۱۸ - بی نظیر بودن و خاطره انگیز بودن رخس ۱۹ - رمق آخر رخس / غم شدید رستم ۲۰ - خنده پیروزمندانه ی خائن ۲۱ - مرگ رخس / فناپذیری / گذرا بودن خاطرات ۲۲ - غم و اندوه جدایی از رخس ۲۳ - درد مندی نگاه نافذ و تاثیرگذار ۲۴ - دلبستگی به رخس شگفتی از جنگ و نیرنگ ۲۵ - قدرت برای انتقام از قاتل خود ۲۶ - توانایی رستم در نجات از چاه ۲۷ - توانایی ادامه زندگی / ترجیح مرگ بر زندگی ننگین

*مهمترین و پرکاربردترین بندها به همراه اهم مطالب :

۱- یادم آمد هان / داشتم می گفتم ، آن شب نیز / سورت سرهای دی بیدادها می کرد . / و چه سرمایایی ، چه سرمایایی / باد برف و سوز وحشتناک

قلمرو ادبی: بیداد کردن سورت سرمای دی : استعاره و تشخیص / بیداد کردن سرما : کنایه از سرمای بسیار شدید / دی : مجاز از زمستان / چه سرمایایی : تکرار / دی ، سرما ، باد برف : استعاره و نماد از حاکمیت اختناق و ظلم

قلمرو زبانی: بند هفت جمله دارد / هان ، چه سرمایایی : شبه جمله / سورت ، سرمای دی ، باد برف و سوز وحشتناک : نهاد

۲ - چوب دستی منتشا مانند در دستش / مست شور و گرم گفتن بود / صحنه میدانک خود را / تند و گاه آرام می پیمود قلمرو ادبی : گرم بودن: کنایه از مشغول بودن، سرگرم بودن / مست شور بودن : کنایه از بسیار پرشور و پر حرارت سخن گفتن / تند ، آرام : تضاد / گرم : مجاز از مشغول

قلمرو زبانی: بعد دو جمله دارد / دست : متمم / مست ، گرم (معطوف) : مسند / صحنه : مفعول / تند ، گاه ، آرام : قید

۳ - هفت خوان را زاد سرو مرو / یا به قولی ماخ سالار آن گرامی مرد / آن هریوه ی خوب و پاک
آیین روایت کرد / خوان هشتم را / مرا روایت می کنم اکنون ... / من که نامم ماث
قلمرو ادبی: سرف ، مرو : جناس ناقص / کرد ، مرد = جناس ناقص / مرد ، مرو : جناس ناقص / من : تکرار می رفت ، می آمد : تضاد

قلمرو زبانی: زاد سرو : آزادسرو از بزرگترین راویانی بود که داستان های رزم رستم را روایت می کرد / ماخ سالار: از راویان شاهنامه/ هریوه هروی ، منسوب به هرات (شهری در افغانستان) / ماث : مهدی اخوان ثالث / بند سه جمله دارد ماخ سالار : معطوف و نهاد / زاد سر، من ، نام : نهاد / من (در جمله آخر) نقش تبعی تاکید دارد/ هفت خوان ، خوان هشتم : مفعول / ماخ سالار، آن گرامی مرد ، آن هریوه ی خوب ، پاک آیین : بدل از زاد سر و مرو / ماث : مسند / به قولی ، اکنون : قید / هفت خوان ، خوان هشتم ، آن پاک آیین ، آن گرامی مرد ، آن هریوه ی خوب : ترکیب وصفی / زادسرو مرو : ترکیب اضافی

۴ - دیگر اکنون آن عماد تکیه و امید ایرانشهر / شیرمرد عرصه ناوردهای هول / پور زال زر ، جهان پهلوی / آن خداوند و سوار رخس بی مانند/ آن که هرگز - چون کید گنج مروارید - / گم نمی شد از لبش لبخند / خواه روز صلح و بسته مهر را پیمان / خواه روز جنگ و خورده بهر کین سوگند
قلمرو ادبی: مروارید : استعاره از دندان / گنج : استعاره از دهان / مانند کردن لبخند رستم به کلید گنج مروارید: تشبیه / تشبیه / مشبیه
مشبیه به

مانند کردن آن به (رستم) به عماد: تشبیه / ایرانشهر: مجاز از مردم ایران / صلح ، جنگ : تضاد / مهر ، کین: تضاد / شیرد مشبیه مشبیه به

بودن کنایه : از شجاعت / مهر : ایهام تناسب (۱- مهر و محبت ۲- خورشید به تناسب آیین مهرپرستی)

قلمرو زبانی: دیگر ، اکنون ، هرگز ، خواه ، روز صلح ، خواه ، روز جنگ : قید / آن ، لبخند : نهاد / عماد تکیه و امید ایرانشهر ، شیرمرد عرصه ناوردهای هول ، پور زال زر ، جهان پهلوی ، آن ، خداوند و سوار رخس بی مانند : بدل از رستم / کلید ، لب ، کین: متمم / گم : مسند / پیمان ، سوگند : مفعول

نکات طلایی درس چهاردهم فارسی ۳ (سیمرغ و سیمرغ)

*شاعر: عطار نیشابوری

*از کتاب : منطق الطیر

* قالب : مثنوی

* نوع ادبی : ادبیات داستانی

درونمایه : حرکت پرنده ها به سمت سیمرغ و گذشتن از مراحل دشواری که در این راه وجود دارد / مراحل عرفان

درجه اهمیت این دست برای امتحانات نهایی****

درجه اهمیت این درس برای کنکور****

* مراحل عرفان (هفت وادی عرفان) :

۱- وادی طلب ۲- ب وادی عشق ۳- وادی معرفت ۴- وادی استغنا ۵- وادی توحید ۶- وادی حیرت ۷- وادی فقر

مفاهیم ابیات درس :

۱- اجتماع و مشورت ۲- لزوم داشتن حاکم ۳- لزوم داشتن حاکم ۴- لزوم شجاعت و شایستگی عارف / سختی راه عشق ۵- دلربایی زیبایی دنیوی / گذرا بودن زیبایی دنیوی ۶- دل بستگی به جاه و مقام / دل بستگی به ثروت دنیا ۷- ضرورت پیر راه / انتخاب پیر / بی کرانگی راه عشق ۸- بیان همراه راه تا مقصد ۹- قابل درک نبودن کیفیت راه عشق / بی کرانگی راه عشق ۱۰- سختی راه طلب ۱۱- ترک مقام ثروت در مرحله طلب ۱۲- سوز و گداز مرحله ی عشق ۱۳- پرشوری و سوزان بودن عاشق ۱۴- بیکرانگی وادی معرفت ۱۵- خودشناسی در وادی معرفت ۱۶- خودشناسی در وادی ۱۷- ترک ادعا و اثبات در وادی استغنا ۱۸- بی تعلقی نسبت به بهشت و بی پروایی از دوزخ ۱۹- رسیدن به یگانگی و خالی از خویش شدن در مقام توحید ۲۰- اتحاد و یگانگی ذات مردان حق ۲۱- سختی مرحله حیرت ۲۲- خطر گمراهی در مرحله حیرت ۲۳- قابل توصیف نبودن مرحله فقر و فنا ۲۴- فنا ی وجود های کسی در برابر نور واحد و مطلق حق / مهر کثرت در وحدت ۲۵- اتحاد سالک با وجود الهی خود یا همان حق ۲۶- اتحاد عاشق و معشوق ۲۷- اتحاد عاشق و معشوق

مهمترین و پرکاربردترین ابیات به همراه اهم مطالب :

۱- بعد از این وادی عشق آید پدید / غرق آتش شد کسی کانجا رسید

قلمرو ادبی : آتش : استعاره از عشق / غرق آتش : اضافه ی استعاری / غرق شدن : کنایه از محو شدن در چیزی (اینجا عاشق شدن) / وادی عشق : اضافه تشبیهی

قلمرو زبانی : بیت سه جمله دارد / بعد از این : قید / وادی ، کسی : نهاد / آنجا : متمم / پدیده غرق : مستند / وادی عشق : ترکیب اضافی / غرق آتش : ترکیب اضافی

۲- هشت جنت نیز اینجا مرده ای است / هفت دوزخ همچو یخ افسرده ای است

قلمرو ادبی : مانند کردن هشت جنت به مرده و هفت دوزخ به یخ : تشبیه / این که هفت دوزخ مثل یخ ، سرد و منجمد باشد : مشبهه مشبهه مشبهه مشبهه

متناقض نما (پارادوکس) / مثل مرده ای بودن :کنایه از بی ارزش بودن/ هشت ، هفت : جناس ناقص / جنت ، دوزخ: تضاد و مراعات نظیر

قلمرو زبانی: بیت دو جمله دارد / جنت ، دوزخ : نهاد / یخ : متمم / اینجا : قید / مرده ای ، افسرده ای : مسند / هفت دوزخ ، هشت جنت : ترکیب وصفی

۳- بعد از این وادی توحید آیدت /منزل تفرید و تجرید آیدت

قلمرو ادبی: مانند کردن تفرید و تجرید به منزل : تشبیه / منزل تفرید : اضافه تشبیهی / منزل تجریر : اضافه تشبیهی

تفرید ، تجرید : جناس ناقص / واج آرای حرف ((ت))

قلمرو زبانی: بیت دو جمله دارد / وادی ، منزل ، تجرید : نهاد / ت در آیدت : متمم / بعد از این قید / منزل تفرید و تجرید : ترکیب اضافی

۴- صد هزاران سایه جاوید ، تو / گم شده بینی یک خورشید ، تو

قلمرو ادبی: سایه: استعاره از موجودات (که نمود و سایه ی خورشید حق تعالی هستند) خورشید : استعاره است از وجود حق تعالی / سایه ،خورشید : مراعات نظیر و تضاد / صد هزاران ، یک : مراعات نظیر و تضاد

قلمرو زبانی: بیت یک جمله دارد / تو : نهاد / تو (در مصراع دوم) : نقش تبعی تکرار / سایه : مفعول / خورشید : متمم / گم شده : مسند / بیت در مصراع دوم شیوه بلاغی دارد / صد هزاران : ترکیب وصفی / سایه ی جاوید / ترکیب وصفی / یک خورشید ترکیب وصفی

«کباب غاز»

نکات طلایی: درس شانزدهم فارسی ۳

* نویسنده : محمد علی جمال زاده

* از کتاب: داستان کباب غاز

* قالب : نثر ساده و روان – نثر معاصر طنزآمیز

* نوع ادبی : ادبیات داستانی

درونمایه : از ماست که بر ماست

درجه اهمیت این درس برای امتحانات نهایی: ****

درجه اهمیت این درس برای کنکور:****

* عبارات پر کاربرد و اهم مطالب :

- هم قطار بودن: کنایه از هم کار و هم ردیف بودن
- درست جلوی کسی در آمدن: کنایه از کار را به کمال انجام دادن ، آبرومندانه پذیرایی کردن
- خدا را خوش نیامدن: کنایه از درست نبودن
- سحاق مکیدن : کنایه از انتظار بیهوده کشیدن
- صابون به شکم زدن : کنایه از به خود وعده دادن ، دل خوش بودن
- بی دست و پا : کنایه از بی عرضه
- آسمان خل بودن: کنایه از فقیر و بی چیز بودن ، بی خانمان
- هفت قرآن به میان: کنایه از دعا برای دور کردن بلا از کسی
- غول بی شاخ و دم: استعاره از مصطفی
- شیء عَجَاب : تلمیح به آیه اِنَّ هَذَا الشَّیْءَ عَجَاب (سوره ی ص / آیه ی : ۵)
- کشف آمریکا و شکستن گردن رستم: کنایه از انجام کار بسیار دشوار و سخت
- عید ، قید: جناس ناقص
- بچه قنداقی بودن: کنایه از بی تجربه بودن
- دیدم زیاد پرتو پلا می گوید (دیدم می گوید) : حس آمیزی
- دلی از عزا در آوردن: کنایه از سیر شدن ، پس از گرسنگی به غذای مفصلی رسیدن ، خوب از خود پذیرایی کردن
- کاه: استعاره از غذا / کاهدان : استعاره از شکم
- کَباده ی چیزی را کشیدن: کنایه از ادعای چیزی را داشتن
- به آسمان بلند شدن صدا: اغراق
- ماسیدن توطئه: کنایه از گرفتن نقشه: به هدف رسیدن
- حیوان: در این داستان مجاز از غاز
- مانند کردن چشم به مرغ سربریده: تشبیه
مشبه مشبه به
- اصرار ، انکار: سجع متوازی و تضاد

- غفلتاً فنرش در رفته باشد : کنایه از بی اختیاری
- نیش : مجاز از دندان
- آب به دهان خشک شدن : کنایه از نهایت حیرت و سرگردانی ، ترسیدن
- گورستان شکم : اضافه ی تشبیهی
- خود را از تک و تا نینداختن : کنایه از حفظ ظاهر
- پنج انگشت : مجاز است کف دست، پنجه
- مانند کردن توبه صندوقچه : تشبیه
مشبه مشبه به
- آرزوی چلاق شدن دست : کنایه از پشیمانی از کار انجام شده
- از ماست که بر ماست : تضمین از شعر ناصر خسرو ، کنایه از اینکه هر بلایی بر سرمان می آید به خاطر کارهای خودمان است
- مانند کردن جوان نمک شناس به موش : تشبیه
مشبه مشبه به
- چپ و راست = مجاز از همه طرف ، تضاد

«خنده تو»

فارسی ۳

نکات طلایی درس هفدهم

*نویسنده : پابلونرودا

* انتخاب شده از شعر : هوا را از من بگیر ، خنده ات را نه

* قالب : ترجمه

* نوع ادبی : ادبیات جهان

* درونمایه : اهمیت خنده و شادمانی

درجه اهمیت این درس برای امتحانات نهایی : ****

* درجه اهمیت این درس برای کنکور : **

* عبارات پرکاربرد و اهم مطالب بعلاوه مفاهیم :

- نان را از من بگیر تا خنده ات را نه : مفهوم : برتری شادمانی بر زندگی

قلمرو ادبی: نان : استعاره و نماد روزی و غذا / هوا : استعاره و نماد آزادی و زندگی / خنده : استعاره و نماد شادمانی و سرور **قلمرو زبانی:** بند دارای چهار جمله است / نان ، هوا ، خنده : مفعول / من : متمم / خنده ات : ترکیب اضافی

- گل سرخ را از من بگیر / سوسنی را که می کاری . مفهوم : ارزشمندی عشق ، نشاط و لبخند

قلمرو ادبی: گل سرخ : استعاره و نماد عشق / سوسن : استعاره از لبخند / گل سرخ ، سوسن : مراعات نظیر

قلمرو زبانی: بند دارای دو جمله است / گل سرخ ، سوسنی : مفعول / من متمم / گل سرخ : ترکیب اضافی

- از پس نبردی تا بی هیچ دگرگونی؛ مفهوم : نبرد بی نتیجه ی انسان با دنیای بدون دگرگونی

قلمرو ادبی: ندیدن دنیا : کنایه از بی تجربه ی و بی نتیجه بودن / چشمان : مجاز از وجود / خسته بودن چشم : استعاره (تشخیص)

قلمرو زبانی: بند دارای دو جمله است / دنیا : مفعول / پس ، چشمانی : متمم / بی هیچ دگرگونی : قید / چشمانی خسته ، هیچ دگرگونی : ترکیب وصفی

- اما خنده ات که تا به رویم می گشاید : مفهوم : حیات بخش بودن نشاط و شادمانی

قلمرو ادبی: رها شدن خنده : استعاره و تشخیص / پرواز کردن خنده : استعاره و تشخیص / در های زندگی : اضافه استعاری / جستن به وسیله خنده : استعاره و تشخیص / در گشودن : کنایه از پذیرفتن و امیدوار کردن

قلمرو زبانی: بند سه جمله دارد / من ، تمامی درها : مفعول / رویم ، آسمان : متمم / پرواز کنان : قید / خنده : نهاد

- عشق من ، خنده ی تو ... تا باید بر فرازد ؛ مفهوم : لبخند و شادمانی موجب از بین رفتن غم ها / جاری بودن نشاط در سختی ها

قلمرو ادبی: مانند کردن خنده به عشق و شمشیر : تشبیه شکفتن خنده و عشق استعاره پاییز نماد و استعاره از ناامیدی و

مشبه مشبه به

سردی دریا : نماد و استعاره از عظمت و بزرگی / برافراشتن موج کف آلوده : کنایه از دور کردن سختی ها و غم ها و به شادی و نشاط رسیدن / جاری بودن خون : کنایه از کشته شدن

قلمرو زبانی: بند هفت جمله دارد / عشق : منادا / خنده ، خون : نهاد / موج : مفعول / لحظه ها ، پاییز ، کناره : متمم

- و در بهاران ، عشق من تا خیابان های جزیره ؛ مفهوم : آرزوی نشاط جاودانی و زیبایی برای کشور

قلمرو ادبی: گل آبی (رُز آبی) نماد و استعاره از عشق و وطن / گل سرخ: نماد و استعاره از عشق و وطن / عشق
استعاره از وطن یا کشور / کشورم را می خواند: استعاره و تشخیص / مانند کردن خنده به گل: تشبیه / شب،
روز، ماه: مراعات نظیر

مشبیه مشبیه به

/ گل و بهاران: مراعات نظیر

قلمرو زبانی: بند شش جمله دارد / کشور: نهاد / عشق: منادا / خنده، «م» در «مرا»: مفعول بهاران، گلی، انتظار،
شب، روز، ماه، پیچاپیچ: متمم / انتظارش: مسند

- اما آن گاه که چشم می گشاید تا چشم از دنیا نبندم: مفهوم: ترجیح شادمانی کشور بر همه چیز / شادمانی
موجب ادامه حیات

قلمرو ادبی: می گشایم، می بندم: تضاد / می روند، باز می گردند: تضاد / نان: مجاز از غذا و روزی: هوا: مجاز از
زندگی و آزادی / روشنی: مجاز از آگاهی / بهار: مجاز است شادابی: خنده: مجاز از شادی و سرور

قلمرو زبانی: بند هفت جمله دارد / چشم، نان، هوا، روشنی، بهار، خنده: مفعول / من، دنیا: متمم / آن گاه
هرگز: قید / پاهایم: نهاد

"عشق جاودانی"

نکات طلایی درس هجدهم فارسی ۳

* شاعر: شکسپیر

* از شعر: غزلواره ها

* قالب: ترجمه

* نوع ادبی: ادبیات جهان

* درونمایه: عشق جاودانی

* درجه اهمیت این درس برای امتحانات نهایی: ****

* درجه اهمیت این درس برای کنکور: **

* عبارات، اهم مطالب و مفاهیم:

- آیا چیزی در مخیله تا ترسیم نکرده باشد؟ با مفهوم: ستایش از معشوق با تمام وجود

قلمرو ادبی: قلم: مجاز از نویسنده / جان: مجاز از وجود / ترسیم کردن چیزی به وسیله ی جان: استعاره و
تشخیص

قلمرو زبانی: بند چهار جمله دارد / آن : مفعول / مخیله ، تو : متمم / چیزی ، قلم ، جان : نهاد

– چه حرف تازه ای ... تا تو را بازگو کند ؟ : مفهوم : کمال در بیان عشق و قابل توصیف نبودن زیبایی معشوق

قلمرو ادبی: حرف : مجاز از سخن / گفتن ، نوشتن ، بازگو کند : مراعات نظیر

قلمرو زبانی: بند چهار جمله دارد / گفتن ، نوشتن : متمم / عشق سجایا : مفعول / بازگو : مسند

– هر روز باید ... تا تو را تلاوت کردم : مفهوم : ازلی بودن عشق / با طراوت بودن عشق حقیقی

قلمرو ادبی: قدیمی : تکرار

قلمرو زبانی: بیت شش جمله دارد / هر روز ، مکرر ، درست : قید / قدیمی ، از آن : مسند

– این گونه است تا سالخوردگی می دهد . مفهوم : طراوت معشوق در نظر عاشق واقعی

قلمرو ادبی: عشق : مجاز از عاشق / چین و شکن های سالخوردگی : اضافه استعاری

قلمرو زبانی: بند چهار جمله دارد / همواره ، نه : قید / این گونه ، جوان : مسند

– بلکه همواره تا نشانه ش بدهند . مفهوم : ازلی بودن عشق / زبان ناپذیری عشق ازلی

قلمرو ادبی: دست زمان : اضافه استعاری / به دنیا آمده ، مرده : تضاد

قلمرو زبانی: بندر چهار جمله دارد / عشق ، احساس : مفعول / موضوع ، مرده : مسند / جایی ، آنجا ، دنیا : متمم

مرکز مشاوره تحصیلی
علیرضا افشار





مرکز مشاوره تحصیلی
علیرضا افشار

راه‌های ارتباطی مرکز مشاوره

تلگرام



AlirezaAfsharOfficial

اینستاگرام



AlirezaAfsharOriginal

وبسایت



www.AlirezaAfshar.org

رزور مشاوره خصوصی علیرضا افشار

برای رزرو مشاوره خصوصی تک جلسه و ماهانه
به شماره ۰۹۳۵۸۹۶۰۵۰۳ در واتساپ  پیام دهید

Afshar.xyz

آدرس تمام رسانه ها :

